

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال ششم شماره ۱۷۷ / ۲۴ مرداد ۱۴۰۱ / ۱۵ اوت ۲۰۲۲

سیل و محیط زیست



در این شماره می‌خوانید:

شناسایی محیط زیست سالم به عنوان یک حق بشری، نقطه عطفی در حقوق بشر

کاهش خسارتهای سیل با احترام به حریم و بستر رودخانه

محیط زیست پاک، سالم و پایدار در زمره حقوق اولیه بشر است

بی‌اعتمادی جهانی به حکومت ایران حتی در مسئله محیط زیست

محیط زیست و حفاظت از آن هرگز از اولویتهای اجرایی حکومت ایران نبوده

ایران در معرض از دست دادن تنوع زیستی و فروپاشی اکوسیستم

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی، علی اصغر فریدی (همه مصاحبه‌ها)

صفحه بندی: مهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



محمد مقیمی

در یک محیط سالم و پاکیزه را یکی از حقوق بنیادین بشر برمی‌شمارند. محیط زیست آلوده موجب نقض حقوق بنیادین بشر گردیده و به فقر و تنزل جایگاه انسان منجر می‌گردد (Joyner, 2005, p219). درباره حق محیط زیست سالم، تعریف دقیقی ارائه نشده است، اما شاید بتوان گفت، منظور از محیط زیست سالم برخورداری از محیطی است که دارای حداقل‌های یک زندگی سالم است (فیروزی، قابل دسترسی در www.ensani.ir). نباید از نظر دور داشت که در زندگی امروزی حداقل‌های یک زندگی سالم می‌تواند دامنه گسترده‌ای داشته باشد. بنابراین، برای تامین این حق و رفع نیازهای بشر در این رهگذر، باید قائل به تفسیر موسع گردید. وانگهی به نظر می‌رسد، تغییرات اقلیمی جهانی، مهمترین چالش پیشروی جهان معاصر است، مهاجرت‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و تنش‌های مربوط به آب که می‌تواند در آینده به منازعه میان کشورها منجر شود، از پیامدهای آن خواهد بود. تغییرات اقلیمی متاثر از عوامل طبیعی و برخی فعالیت‌های بشر است. عوامل طبیعی مانند نوسان‌های درون محیط زمین و فرایندهای طبیعی موجود در اطراف آن است، از سویی دیگر، از پیامدهای فعالیت‌های بشر بر آن می‌توان به تولید گازهای گلخانه‌ای^۲ اشاره کرد. با توجه به اهمیت موضوع محیط زیست در جهان امروز به‌ویژه تغییرات اقلیمی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای در تاریخ ۲۸ ژوئیه (هفتم مرداد) ۲۰۲۲، زیستن در محیط سالم، پایدار و پاک را در زمره یک حق بنیادی بشری، مورد شناسایی قرار داده است. قطعنامه یادشده با ۱۶۱ رای مثبت در برابر ۸ رای ممتنع به تصویب رسید که جمهوری اسلامی یکی از این ۸ کشور بود. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، این گام را یک "نقطه عطف" خواند. وی افزود: «این قطعنامه به کاهش بی‌عدالتی‌های زیست محیطی، بستن شکاف‌های حفاظتی و توانمندسازی مردم، بویژه کسانی چون کنشگران، زنان، جوانان، کودکان و افراد بومی که در موقعیت‌های آسیب‌پذیر قرار دارند، کمک شایانی می‌کند».

یکی از موضوع‌های مهم حقوق بشر حق سلامت است، دامنه بسیار گسترده این حق، تفسیر موسع آن را اقتضاء می‌کند. چنان‌که تفسیر عمومی شماره ۱۴ کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۲۰۰۰ تأکید می‌کند؛ حق بر سلامتی دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از عوامل اجتماعی و اقتصادی مانند محیط زیست سالم است که شرایط زندگی سالم انسان را ارتقاء می‌دهد.^۱ بنابراین، حق بر محیط سالم با حق بهداشت، حق زندگی و دیگر حق‌های بشری در ارتباط است، به گونه‌ای که حق محیط زیست سالم با حق زندگی بهتر آشکار می‌گردد. از سویی دیگر، حق محیط زیست دربرگیرنده حق‌های مهم دیگری چون، حق جریان آزاد اطلاعات است؛ چنان‌که مردم جامعه باید از حقوق خود از جمله حق محیط زیست و چالش‌ها و تهدیدهای مرتبط با آن آگاه باشند (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴، ص ۳۳). به‌ویژه در جهان امروز که به علت پدیده‌های گوناگون از جمله مدرنیته و صنعتی شدن، چالش‌ها و تهدیدهای زیست محیطی نیز جهانی شده‌اند و مفهوم توسعه پایدار، به معنای برآوردن نیازهای نسل کنونی بی‌آن‌که منابع و امکانات نسل‌های آینده به خطر افتد، مطرح است. با توجه به شدت گرفتن فرایند جهانی شدن و فراگیر بودن بسیاری از پدیده‌هایی مانند تغییرات اقلیمی جهانی با ویژگی جهانی بودن، تفکیک ناپذیری و وابستگی متقابل، این پدیده‌ها زیر عنوان حقوق همبستگی (نسل سوم حقوق بشر) در مباحث حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

امروز حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بشر، رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. قواعد حقوقی مدرن، حق زندگی

شناسایی محیط زیست سالم به عنوان یک حق بشری، نقطه عطفی در حقوق بشر



2 - (The Causes of Climate Change)

1 - UN CESCR, general comment 14, UN Doc. E/C.12.2000/4 (2000).

با وجود این که گروهی این قطعنامه‌ها را ناکارآمد و بدون ضمانت اجرای لازم و کافی می‌دانند، نگارنده بر این باور است که صدور قطعنامه‌هایی از این دست، می‌تواند به ارتقاء حقوق بشر منجر شود. چه این که فراموش نکنیم، حقوق بین‌الملل و حقوق بشر رشته‌های علمی در حال گذار هستند که از چالش سنتی نبود ضمانت اجرای کافی، قوی و موثر برخوردار هستند و توسعه آن‌ها تدریجی و زمان‌بر است. در واقع، قطعنامه‌ها و بیانه‌هایی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد صادر می‌کند، در حقوق بین‌الملل می‌تواند هنجارساز باشد. همچنین، راه را برای این که موضوع این قطعنامه‌ها در قانون اساسی و قوانین عادی کشورها به عنوان حقوق بنیادین مورد شناسایی قرار گیرد و از ضمانت اجرا برخوردار گردد، هموار می‌کنند. چنان که، پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، زمینه تصویب دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که از ضمانت اجرا برخوردار هستند، فراهم شد. وانگهی، کشورها بیشتر حق‌های مندرج در دو میثاق را در قانون اساسی خود گنجانند.

همچنین، دیوان بین‌المللی دادگستری در تعدادی از آراء و نظریه‌های مشورتی خود از قطعنامه‌های مجمع عمومی در راستای انجام وظیفه قضایی خود بهره گرفته است. این قطعنامه‌ها دیوان را در تبیین حقایق و چارچوب حقوقی مرتبط با هر قضیه یاری می‌کنند. افزون بر این، از نظر دیوان قطعنامه‌های مجمع عمومی در توسعه حقوق بین‌الملل نیز نقش پررنگی داشته‌اند. ارتباط این قطعنامه‌ها با قواعد عرفی نیز شایان توجه است، به اعتقاد دیوان این قطعنامه‌ها نه تنها با شفاف‌سازی عناصر مادی و معنوی عرف دیوان را در احراز قواعد عرفی یاری می‌کند، بلکه در ایجاد قواعد عرفی نیز نقش بسزایی دارند. دیوان همچنین از قطعنامه‌های مجمع عمومی به عنوان ابزاری برای تفسیر منشو ملل متحد بهره گرفته است (مظاهری جمشید، جایگاه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در رویه

قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۳۹۲).

از سویی دیگر، همانطور که اشاره شد؛ جمهوری اسلامی یکی از ۸ کشوری بود که به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل که زیستن در محیط سالم، پایدار و پاک را به عنوان یک حق بنیادین بشر مورد شناسایی قرار داد، رأی ممتنع داد. این در حالی است که اصل ۵۰ قانون اساسی کشورمان، حفاظت از محیط زیست را مورد تاکید قرار داده و مفهوم توسعه پایدار را بطور ضمنی پذیرفته است و قوانین عادی از جمله قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶، قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت مصوب ۱۳۵۲، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، لایحه‌ی قانونی مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ نیز در راستای حفاظت از عرصه‌های گوناگون محیط زیست وضع شده است. بنابراین، پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود، این است که چرا جمهوری اسلامی این‌گونه موضع‌گیری کرده است؟

۱- به نظر می‌رسد، همانطور که جمهوری اسلامی در این ۴۴ سال از اصول گوناگون قانون اساسی که خودش وضع کرده است، در عمل و نظر فاصله گرفته در این مورد نیز همین راه را در پیش گرفته است.

۲- حقوق بشر از جمله حق محیط زیست سالم، تنها در پرتو دموکراسی و رعایت اصول حکمرانی مطلوب از جمله؛ مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، دادگستری مستقل و عدالت محقق می‌شود. ۳- جمهوری اسلامی در نگاهی غیرعلمی، حقوق بشر را پروژه‌ای از سوی غرب برای سلطه بر جهان می‌داند و احکام اسلامی را بسیار مترقی‌تر از حقوق بشر می‌پندارد. این دیدگاه از نظریه متوهمانه علوم انسانی اسلامی ناشی می‌شود.

۴- از سویی دیگر به نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی در سیاست نگاه به شرق که در دولت رئیسی شدت بیشتری به خود گرفته است، سعی دارد در موضع‌گیری‌های خود در موضوع‌های بین‌المللی با شرق هماهنگ‌تر عمل کند.



کاهش خسارت‌های سیل با احترام به حریم و بستر رودخانه نقض عدالت محیط زیستی، زجر گروه‌های ضعیف‌تر اجتماعی



علی‌اصغر فریدی

این موجودات می‌بالد؟ هر بار کتاب "آیسمن در اورشلیم" هانا آرنت را ورق می‌زنم به این می‌اندیشم که قدرت گرفتن نابکاران در خلاء صورت نمی‌گیرد و وظیفه ما آگاهی بخشی به جوان‌ترها و آیندگان برای دوری از خطاهای نسل‌های گذشته است. سال‌ها است که آب و بهداشت جزو حقوق بشر محسوب می‌شود و ایران به عنوان امضا کننده میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید به این مساله پایبند باشد، اما توزیع آب سالم و لازم به شهروندان در کشور ما همیشه عادلانه نیست و حتی در سرزمین ثروتمندی مثل خوزستان، فقر آبی بیداد می‌کند. نقض عدالت محیط زیستی در کشور ما به قیمت زجر گروه‌های ضعیف‌تر اجتماعی تمام می‌شود و تنها اقلیتی منتفع می‌شوند که اتفاقاً از پیروان بی‌رقیب رهبر جمهوری اسلامی هم هستند. هر چه ناآگاهی عمومی کمتر شود، شرایط برای حاکمیت سخت‌تر خواهد بود.

آیا بارندگی‌های اخیر ایران، که در چند نقطه از کشور منجر به جاری شدن سیل و خسارت‌های مالی و جانی را هم به دنبال داشت، می‌تواند کمبود آب کشور را جبران و در سال آینده حداقل شاهد خشک‌سالی نباشیم؟

خشک‌سالی در کشور ما بیش از هر چیزی ساخته دست انسان است. ما بدون توجه به شرایط اقلیمی‌مان از منابع طبیعی بهره‌برداری کرده‌ایم. در سرزمین‌های خشک و نیمه‌خشک، سیل یک واقعیت است که معمولاً تلخی‌اش نصیب مردم می‌شود. فرسایش خاک و تخریب دشت‌ها و شهرها امنیت اقتصادی و روانی بخش بزرگی از مردم را تهدید می‌کند. اما اگر راهکارهای مدیریت سیل و مهار آن را بشناسیم و اعمال کنیم، هم مانع هدر رفت خاک می‌شویم و هم آب را می‌توانید ذخیره کنیم. تغذیه مصنوعی با استفاده از سیلاب بر پهنه‌های آبرفتی با نام "آبخوانداری" شناخته می‌شود و امکان اجرای آن در ۱۵ میلیون هکتار وجود دارد و بر اساس محاسبات می‌توان سالانه حدود ۴۲ میلیارد متر مکعب را به این طریق به ذخایر آبی کشور افزود. با توجه به اینکه هزینه چنین کاری بسیار پایین‌تر از سدسازی و روش‌های سازه‌ای است، این پرسش مطرح است که چرا دستگاه‌های دولتی و حکومتی آن را تا کنون اجرا نکرده‌اند؟ پاسخ ساده اما تلخ به این پرسش، عدم امکان انجام دزدی‌های بزرگ در مقایسه با سدسازی و طرح‌های انتقال آب چند صد هزار میلیارد تومانی است. شرکت‌های مشاور و پیمان‌کاران به پروژه‌های گران‌قیمت معتاد شده‌اند و نبود حسابرسی دقیق باعث شده که این اعتیاد از حد بگذرد.

سیل به خودی خود چیز بدی نیست، اما آن چیزی که خطرناکش می‌کند، نحوه مواجهه ما انسان‌ها با آن است. اگر در مسیر سیلاب ساخت و ساز نکنیم، اگر حریم و بستر رودخانه را محترم بشماریم و راه آب را همیشه باز نگاه داریم، میزان خسارت‌های سیل بسیار کمتر خواهد بود. اگر بتوانیم با روش‌های آبخوانداری و آبخیزداری سرشاخه‌ها را مدیریت کرده و بخشی از آب را جذب کنیم و موجب رسوب قسمت بزرگی از مواد معلق درون سیل بر سطح زمین شویم، عملاً بر خلاف جهت فرسایش و تخریب گام نهاده‌ایم. دولت با سیاست‌هایش در بخش کشاورزی و شهرسازی از بزرگترین عوامل تخریب و همین‌طور خشک‌سالی انسان‌ساخته در ایران است، اما بخش غیردولتی هم با همراهی و اجرای خواسته‌های دولت تبدیل به شریک ساختار حاکم در تخریب سرزمین شده است. این‌ها بخشی از سخنان نیک‌آهنگ کوثر، زمین‌شناس و روزنامه‌نگار فعال محیط زیست و حوزه آب است، در مصاحبه با مجله حقوق ما، نیک‌آهنگ کوثر به چند سوال ما در مورد محیط‌زیست و سیل‌های اخیر در ایران پاسخ داده که مشروح این پرسش و پاسخ‌ها در زیر آمده است.

چند روز پیش، سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای، حق برخورداری از محیط زیست سالم را به عنوان بخشی از حقوق بشر به رسمیت شناخت، جمهوری اسلامی یکی از کشورهایی بود که به این قطعنامه رای مثبت نداد، جناب کوثر، شما به عنوان یک زمین‌شناس و خبرنگار و فعال محیط‌زیست به ویژه در حوزه آب، که در حوزه سیاسی هم فعال بوده و هستید، این اقدام حکومت ایران چه دلایل سیاسی یا محیط‌زیستی می‌تواند داشته باشد؟

فکر می‌کنم در درجه اول مقام‌های جمهوری اسلامی اصرار عجیبی در اثبات بی‌شعوری خود دارند. از آیت‌الله خامنه‌ای گرفته تا مدیران درجه چندم، وقتی واقعیت‌های جهان را نادیده می‌گیرند و بر اساس ایدئولوژی غیرمنطقی حاکم تصمیم می‌گیرند و حقوق نسل‌های بعدی را هم نفی و نقض می‌کنند، این سوال در ذهن من شکل می‌گیرد که چگونه بخشی از جامعه به خودش برای رای دادن به

آیا سیل‌های اخیر در ایران پدیده‌ای طبیعی است یا دخالت‌های مردم و دولت در محیط زیست و طبیعت باعث چنین طغیانی در رودخانه‌ها شده است؟

و موجب رسوب قسمت بزرگی از مواد معلق درون سیل بر سطح زمین شویم، عملاً بر خلاف جهت فرسایش و تخریب گام نهاده‌ایم. دولت با سیاست‌هایش در بخش کشاورزی و شهرسازی از بزرگترین عوامل تخریب و همینطور خشک‌سالی انسان‌ساخته در ایران است، اما بخش غیردولتی هم با همراهی و اجرای خواسته‌های دولت تبدیل به شریک ساختار حاکم در تخریب سرزمین شده و اینجا است که باید نقش بیشتری در آگاهی دادن به کشاورزان و روستاییان بازی کنیم تا حداقل دولت را در نابودی منابع آب زیرزمینی و خاک همراهی نکنند. برداشت آب اضافه از سفره‌های آب زیرزمینی و تخریب مراتع و تغییر کاربری جنگ و مرتع و تبدیلی به اراضی کشاورزی باید "گناه کبیره" معرفی شود! آبیاری بی‌در و پیکر و فراهم آوردن امکان تبخیر بیجای آب با ارزش چیزی از ارتکاب جرم ندارد!

چه نقاطی در ایران بیشتر دچار تنش آبی هستند؟ سیاست‌های زیست‌محیطی حکومت تا چه اندازه در ایجاد این تنش دخیل بوده است؟

سیل زمانی رخ می‌دهد که بعد از بارانی شدید، زمین امکان جذب آب را نیابد و روان‌آب قدرت زیادی پیدا کند و اگر در مسیر خود، موادی در حد و اندازه رس و لای و ماسه و شن هم به روان‌آب اضافه شود (به‌ویژه در اثر فرسایش) قدرت تخریبی سیل به شدت افزایش می‌یابد. سیل باعث رسیدن این مواد معلق به دشت‌ها و حتی تشکیل دشت‌ها شده است، چرا که آب سیالی است که بخش قابل توجه مواد فرسایش یافته را از کوهستان‌ها با خود آورده که در دشت‌ها رسوب کرده‌اند. پس سیل به خودی خود چیز بدی نیست، اما آن چیزی که خطرناکش می‌کند، نحوه مواجهه ما انسان‌ها با آن است. اگر در مسیر سیلاب ساخت و ساز نکنیم، اگر حریم و بستر رودخانه را محترم بشماریم و راه آب را همیشه باز نگاه داریم، میزان خسارت‌های سیل بسیار کمتر خواهد بود. اگر بتوانیم با روش‌های آبخوانداری و آبخیزداری سرشاخه‌ها را مدیریت کرده و بخشی از آب را جذب کنیم

سدهایی که ترکیه بر روی دجله و فرات ساخته آیا تاثیری بر افزایش ریزگردها در برخی از نقاط ایران داشته؟

هر جایی موجودی آب سالم کمتر از نیاز باشد، شاهد بروز تنش خواهیم بود، در نتیجه ممکن است در مناطقی در شمال کشور و در حاشیه دریای مازندران هم به مناطق بسیار مواجه شویم که دچار تنش آبی هستند. در برخی تقسیم‌بندی‌ها از نظر حجمی به ماجرا نگاه می‌شود، مثلاً اگر میزان منابع آب تجدیدپذیر در سال به ازای هر شهروند از ۱۷۰۰ متر مکعب کمتر شود، بحث تنش پیش می‌آید اما از منظر کیفی، اگر کمیت هم بسیار زیاد باشد اما مردم امکان استفاده از آن آب را نداشته باشند و از فقر آبی رنج ببرند، با موقعیتی نابسامان مواجهیم. حکومت با توجه بر تشویق کشاورزان به کاشت محصولاتی آب-بر و عدم جبران کاستی‌های سفره‌های آب زیرزمینی و هدر رفت آب و غذا، در تشدید تنش آبی و نهایتاً، ورشکستگی آبی نقش اصلی را بازی می‌کند. در سه دهه گذشته، کسری سفره‌های آب زیرزمینی کار را به جایی کشانده که بخت زندگی کردن در اکثر نقاط کشور سال به سال کمتر می‌شود و نشست زمین به واسطه اضافه برداشت از آبخوان‌ها باعث تشدید مهاجرت از شهرهای زیادی در فلات مرکزی ایران خواهد شد.

سدسازی‌های ترکیه وقتی با تغییر در جریان آب رودهای دجله و فرات همراه شد، بی‌آبی را در نواحی مختلف سوریه و عراق را هم تشدید کرد و نتیجه چنین روندی کاهش رطوبت سطح خاک و فراهم شدن شرایط فرسایش در این مناطق شد. بادهای شدید ذرای در حد رس را از این دشت‌ها به دور دست‌ها منتقل می‌کنند. این ریزگردها سلامت بسیاری از شهروندان ایرانی را به خطر انداخته‌اند و دولت جمهوری اسلامی با وجود اطلاع از دستکاری‌های ترکیه در بالادست دجله و فرات، هیچگاه در روند ساخت این سازه‌ها با ترکیه برای تضمین جریان طبیعی این رودها وارد گفتگو نشد، چون خیال می‌کرد ربطی به ایران نخواهد داشت. اما با توجه به اینکه ایران و عراق و ترکیه و سوریه در حوضه آبریز بزرگ‌تر خلیج فارس و به ویژه در زیرحوضه دجله مشترک هستند، سرنوشت مشترکی هم دارند که ترکیه بدون توجه به آثار محیط زیستی و اجتماعی و اقتصادی رفتارهای سازه‌محور مدیریت آبش، عدالت محیط زیستی را نقض کرده است.



دسترسی به محیط زیست پاک، سالم و پایدار را یک حق جهانی انسان برمی‌شمرد، اما جمهوری اسلامی به همراه چین، روسیه، بلاروس، کلمبیا، قرقیزستان و اتیوپی به آن رای ممتنع داد. در بند اول این قطعنامه آمده است، این قطعنامه داشتن حق یک محیط امن، پاک، سالم و پایدار را به عنوان یک حق انسانی که برای برخورداری از حقوق بشر مهم است، به رسمیت می‌شناسد. در بند دوم این آن نیز آمده است، این قطعنامه یادآور می‌شود که حق داشتن محیطی امن، پاک، سالم و پایدار با سایر حقوق به رسمیت شناخته شده در قوانین بین‌المللی مطابقت دارد.

این قطعنامه در بند سوم از کشورها خواسته است به منظور انجام تعهدات حقوق بشری خود، برای محافظت از محیط زیست ظرفیت‌سازی کرده و با سایر کشورها و همچنین نهادهای سازمان ملل و سایر سازمان‌ها و برنامه‌های مربوطه همکاری کنند.

همچنین در این بند از قطعنامه، از کشورها خواسته شده است شیوه‌های مطلوب از جمله تبادل دانش و ایده‌ها، ایجاد هم‌افزایی میان حمایت از حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست جهت برخورداری از محیطی امن، پاک، سالم و پایدار را به اشتراک گذارند. این بند از قطعنامه از کشورها می‌خواهد سیاست‌های لازم برای بهره‌مندی از حق داشتن محیطی امن، پاک، سالم و پایدار، از جمله تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها را به کار گیرند و تعهدات حقوق بشری در رابطه با برخورداری از محیطی امن، پاک، سالم و پایدار را ادامه دهند. این تعهدات در راستای پیگیری و اجرای اهداف توسعه پایدار است.

به نظر شما چرا جمهوری اسلامی به قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم، رای مثبت نداد؟

خوب دلیلی که خود جمهوری اسلامی برای عدم رای مثبت به این قطعنامه بیان کرده، این است که می‌گوید، بانیان قطعنامه از پذیرش اصلاحات ایران و تعداد زیادی از کشورها خودداری کردند. این را ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران گفته است، او ادعا کرد که جمهوری اسلامی، در فرایند مذاکرات این قطعنامه مشارکت فعال داشت، اما بانیان قطعنامه، اصلاحات ایران و تعداد زیادی از کشورها را نپذیرفتند. او البته به اصلاحاتی که ایران ارائه کرده و پذیرفته نشده اشاره‌ای نکرد و در مصاحبه با رسانه‌ها، یکی از دلایل مهم عدم رای مثبت به این قطعنامه را، اجماعی نبودن قطعنامه، نواقص متعدد،

امروزه، تقریباً اکثر مردم به گونه‌ای و در سطح آگاهی خود از عوارض سوء آلودگی محیط زیست آگاهی مطلع هستند، همچنین بنابه حقوق بین‌الملل و بر اساس قانون، هر فردی حق دارد تا در محیط زیست سالمی زندگی کند. بنابراین آلودگی هوا و محیط‌زیست توسط صنایع و یا سایر فعالیت‌های آلوده کننده و یا مخرب محیط زیست به نوعی سلب حقوق بشر به حساب می‌آید و شهروندان حق دارند که از محیط زیستی پاک برخوردار باشند. دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی، اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به پاسخگویی و جبران خسارت وارده مسئول هستند.

آمارهای سازمان بهداشت جهانی حاکی از آن است که، ۲۴ درصد از کل مرگ و میرهای جهانی یا به عبارتی، ۱۳.۷ میلیون مورد مرگ در سال به دلیل آلودگی هوا و قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی اتفاق می‌افتد.

کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، از کشورهای عضو خواست با انجام اقدامات شجاعانه، داشتن حق محیط زیست سالم و تمیز را محقق کنند. میشل باشله با ابراز رضایت از تصویب قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم، در بیانیه‌ای اعلام کرد، این تصمیم تخریب محیط زیست و تغییرات آب و هوایی را به عنوان بحران‌های مرتبط با حقوق بشر به رسمیت می‌شناسد.

قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم، که اخیراً با ۱۶۱ رای موافق و رای ممتنع ایران، چین، روسیه، بلاروس، کلمبیا، قرقیزستان و اتیوپی و بدون رای مخالف به تصویب رسید، خسارت ناشی از تغییرات آب و هوایی و تخریب محیط زیست به میلیون‌ها نفر در سراسر جهان را به رسمیت می‌شناسد.

این قطعنامه تاکید می‌کند که آسیب‌پذیرترین بخش‌های جمعیت از تغییرات آب و هوایی و محیط زیست ناسالم تاثیر بیشتری می‌گیرند. برای بررسی عدم رای مثبت ایران به قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم، مجله حقوق ما با مهراوه عباسیان، دانش‌آموخته رشته حقوق، گفتگویی انجام داده که مشروح این مصاحبه در زیر آمده است.

اخیراً، سازمان ملل قطعنامه‌ای تحت عنوان، حق برخورداری از محیط زیست سالم به تصویب رسید، مفاد اصلی این قطعنامه چیست؟

این قطعنامه که با ۱۶۱ رای موافق به تصویب رسید، با وجود اینکه

محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار در زمره حقوق اولیه بشر است



نقض حقوق بشر، تحت فشار است و الان از این می‌ترسد که به دلیل مسائل زیست‌محیطی هم همانند مسئله حقوق بشر تحت فشار بین‌المللی قرار بگیرد.

آیا عدم رای مثبت جمهوری اسلامی به قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم، چه تأثیری در تعاملات زیست‌محیطی و بین‌المللی ایران خواهد داشت؟

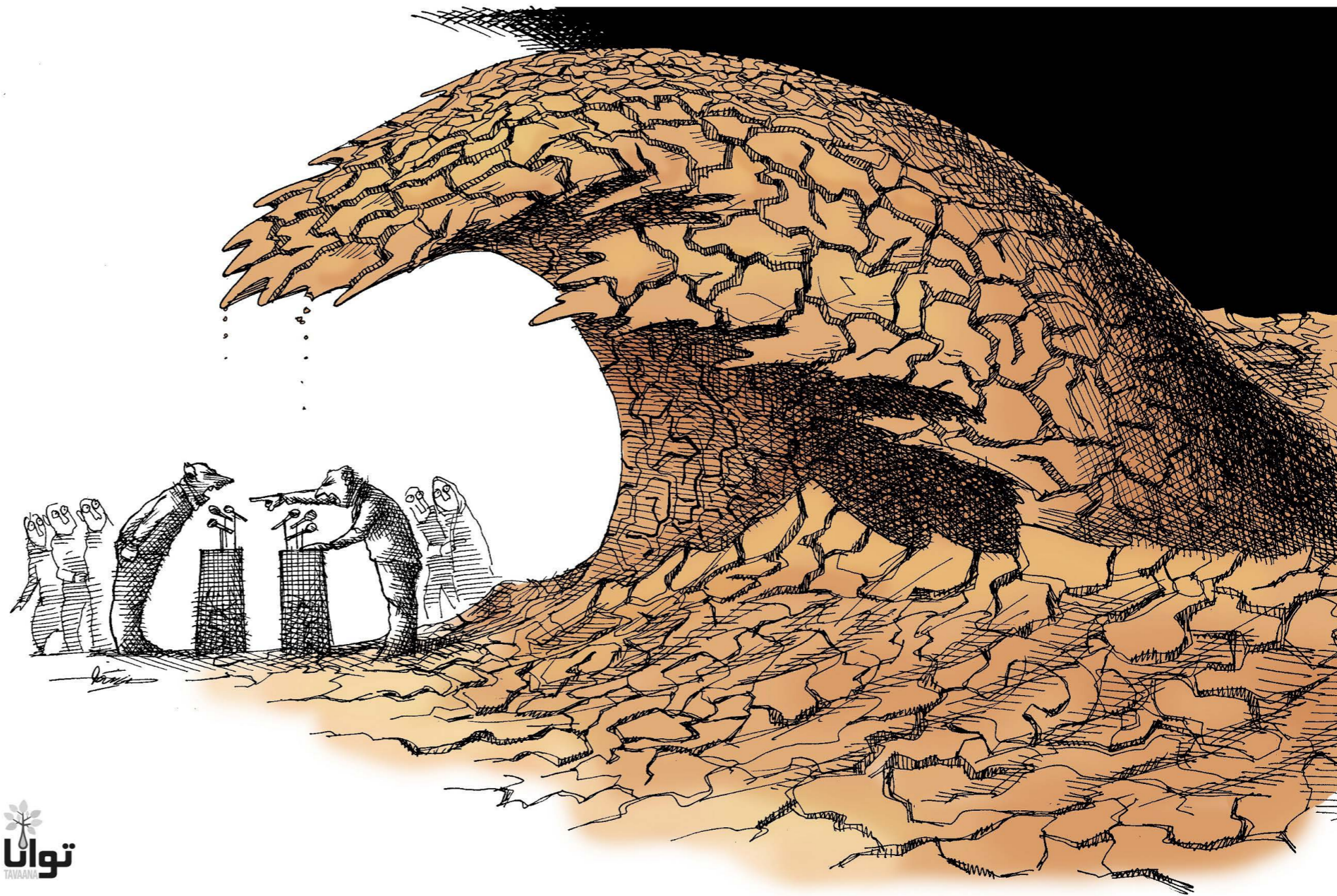
قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم، داشتن محیط زیست پاک، سالم و پایدار را در زمره حقوق اولیه بشر می‌داند و با توجه به تصویب قاطع آن، به عنوان ابزار حقوقی غیرالزام‌آور برای کشورهای عضو عمل می‌کند؛ این بدین معناست که کشورهای عضو پذیرفته‌اند با سایر مشوق‌های موجود جهانی، مفاد آن را عملیاتی کنند. رأی ممتنع ایران و سایر کشورهای دیگر، تأثیری در عملیاتی‌شدن این مفاد ندارد.

از این پس، گزارشگران حقوق بشر، علاوه بر سایر عوامل مطرح در ارزیابی حقوق بشر، عملکرد کشورها را از نظر سالم، پایدار و پاک بودن محیط‌زیست نیز ارزیابی خواهند کرد. بنابراین تمامی کشورهای سازمان ملل تلاش خواهند کرد که در این عرصه عملکرد مطلوبی داشته باشند تا تضمین‌کننده، حیات رو به تعالی و رشد شهروندانشان باشند.

از طرفی ما می‌دانیم که هر قطعنامه‌ای، فارغ از اینکه الزام‌آور و یا غیرالزام‌آور باشد، بار سیاسی خاص خود را دارد. با تصویب این قطعنامه، موضوع محیط‌زیست کشورها، علاوه بر اینکه در رکن اختصاصی و محیط‌زیستی ملل متحد، یعنی برنامه محیط‌زیست ملل متحد (UNEP) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، در سایر سازمان‌های ذیل ملل متحد نیز می‌توان مورد ارزیابی قرار گیرد و این می‌تواند تبعات سیاسی داشته باشد.

اتفاقاً ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه ایران هم پس از تصویب قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم و در پاسخ به دلایل عدم رای مثبت ایران به این قطعنامه گفت، اعتراض اصلی ایران در عدم رأی مثبت به این قطعنامه به واسطه این بوده که این قطعنامه به ابزار دیگری در زمینه «بهره‌برداری‌های احتمالی سیاسی و خلاف منافع ملی ما» تبدیل شود. بنابراین می‌توانم بگویم که اگرچه ایران به این قطعنامه رای مثبت نداده، اما عدم اجرای مفاد آن می‌تواند تبعات سیاسی را برایش در جوامع بین‌المللی، به دنبال داشته باشد.

از محیط زیست ظرفیت‌سازی کرده و با سایر کشورها و همچنین نهادهای سازمان ملل و سایر سازمان‌های مربوطه همکاری کنند. خوب همانطور که اطلاع دارید، جمهوری اسلامی فعالان محیط‌زیستی خود را سال‌ها است که به اتهام جاسوسی برای بیگانگان، در زندان نگه داشته، حکومتی که با فعالان زیست محیطی خود چنین رفتاری می‌کند، آیا حاضر خواهد شد که اجازه بدهد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از فجایع محیط‌زیستی که به بار آورده‌اند و به بار خواهند آورد، مطلع شوند؟ در نهایت باید بگویم که جمهوری اسلامی سال‌ها است که به دلیل



توانا
TAVANA

که بیشتر این پروژه‌ها، کمترین بهایی را به حفظ محیط‌زیست نمی‌دهند، از سد سازی‌های بدون برنامه، که زیست‌بوم ایران را در معرض خطر جدی قرار داده‌اند تا احداث راه‌ها و بزرگراه‌هایی که کمترین اهمیتی به نابودی اکوسیستم کشور می‌دهند، همه توسط سپاه صورت گرفته و می‌گیرد، بنابراین دولت از این می‌ترسد که هر ساله باید جوابگویی اقدامات مخربی باشد که سپاه بر سر محیط‌زیست می‌آورد. همانطور که پیشتر گفتیم، در بند سوم این قطعنامه، از کشورها خواسته است به منظور انجام تعهدات حقوق بشری خود، برای محافظت

نادیده انگاشتن تکالیف و وظایف به گفته وی، قدرت‌های بزرگ استعماری، دانست. اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی با پیوند این قطعنامه به مسائل حقوق بشری مشکل دارد، اگرچه این قطعنامه الزام‌آور نیست، اما جمهوری اسلامی که یکی از ناقضان حقوق بشر است، از این ترس دارد که هر ساله علاوه بر اینکه باید تلاش کنند که بر نقض حقوق بشر در ایران سرپوش بگذارد، از این به بعد باید به دفاع از اقدامات مخربش بر محیط‌زیست هم بپردازد. از طرفی دست داشتن سپاه پاسداران در بسیاری از پروژه‌های عمرانی

جمهوری اسلامی به قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم این بوده که، بنیان قطعنامه از پذیرش اصلاحات ایران و برخی دیگر از کشورها خودداری و وظایف قدرت‌های به گفته وی بزرگ استعماری غربی تخریب کننده محیط زیست را در قطعنامه نادیده گرفتند و به آن اشاره نکردند.

از نظر حقوقی به دلیل اینکه ماهیت قطعنامه‌های سازمان ملل، ماهیت حقوقی ندارند تا بخواهند تکلیفی را برای هیچ کشوری ایجاد کنند، یعنی الزام‌آور نیست، در نتیجه هیچکدام از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل به طور مستقیم برای هیچ کشوری، هیچگونه دستوری را صادر و هیچ وصیفه‌ای را تعیین نمی‌کند، بنابراین، این توجیه وزارت خارجه ایران برای عدم رای مثبت به قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم، قابل پذیرش نیست. بنابر آنچه که اشاره کردم، به دلیل آنکه اینگونه قطعنامه‌ها ماهیت الزام‌آور ندارند، اشاره کردن به نام کشورها و تعیین تکلیف کردن برای آنها، از نظر قانونی عبث و بی‌فایده است. قطعنامه‌های پیشین مجمع عمومی سازمان ملل هم همینگونه بوده، یعنی آنجا هم اساسا سازمان ملل به صورت جزئی وارد موضوعات نشده است.

در نهایت باید بگویم اگرچه توجیه جمهوری اسلامی که به تبع و پیروی از کشورهای چین و روسیه، در تخاصم با کشورهای غربی به قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم رای ممتنع داده، از منظر قانونی توجیهی قابل قبول نیست اما این رای خلاف قانون اساسی ایران و اصل ۵۰ این قانون نیست.

در ایران چه قوانین یا آئین‌نامه‌هایی، در رابطه با مسئله محیط زیست وجود دارد و در کل مسئله محیط زیستی در قوانین ایران تا چه اندازه‌ای حائز اهمیت است؟

باید بگویم، قوانین و مقرراتی که در زمینه محیط زیست در ایران نوشته شده، قوانین کمی نیستند، یعنی مشکل و خلاء قانونی زیادی در این زمینه نداریم و می‌توان گفت که، ما تقریباً در همه موضوعات مربوط به محیط زیست، قانون مصوب داریم، به ویژه پس از تصویب قانون هوای پاک. نقض‌ها، خلاء و مشکلاتی که در رابطه با جلوگیری از آلودگی هوا وجود داشت، پس از تصویب قانون هوای پاک، برطرف شد و در حال حاضر مشکل اصلی در مورد محیط زیست در ایران، عدم یا کمبود قانون نیست.

به طور کلی دو گروه قوانین در این زمینه وجود دارند، یک گروه مربوط به شاخص‌های محیط زیستی است، مثل قوانین مربوط به زیستگاه‌ها و اداره جنگل‌ها و بحث‌های مربوط به شکار و صید و قوانین مربوط به حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع. دسته دوم قوانین است مربوط به محیط زیست انسانی است و بر بحث آلودگی محیط زیست، همچون قانون هوای پاک که بر چگونگی

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در توجیه عدم رای مثبت این کشور به قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم، در بخشی از سخنانش گفته است که کشورهای دیگر حاضر به همکاری با نظام جمهوری اسلامی در رابطه با محیط زیست نیستند.

در حالی که کشورهای مختلف وقتی پای در مسائل زیست محیطی در میان باشد، مشکلات را برای همکاری دو یا چند جانبه حل می‌کنند تا بتوانند با همدیگر در این زمینه همکاری داشته باشند، نظام جمهوری اسلامی بنا به شرایطی که در سطح بین‌المللی دارد، اساساً برای دنیا غیرقابل اعتماد شده و این بی‌اعتمادی به جمهوری اسلامی باعث شده که کشورهای دیگر حتی در زمینه محیط زیست هم به آن اعتماد نکنند و حاضر به همکاری با آن نشود که چنین مسئله‌ای تنها به ضرر محیط زیست و شهروندان ایران خواهد بود. برای بحث در مورد مسائل حقوقی عدم رای مثبت جمهوری اسلامی به قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم، سیل‌های اخیر که در بسیاری از شهرهای ایران باعث خسارت به شهروندان شد و چند موضوع دیگر زیست محیطی مجله حقوق ما با معین خزانلی حقوقدان مصاحبه‌ای انجام داده که مشروح آن در زیر آمده است.

اخیراً سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای، حق برخورداری از محیط زیست سالم را به عنوان بخشی از حقوق بشر به رسمیت شناخت، جمهوری اسلامی یکی از کشورهایی بود که به این قطعنامه رای مثبت نداد، آیا این اقدام دولت ایران مغایر با اصل ۵۰ قانون اساسی ایران نیست؟

خوب باید بگویم که خیر، این اقدام اخیر جمهوری اسلامی مغایر با اصل ۵۰ قانون اساسی نیست، زیرا اصل ۵۰ قانون اساسی بر حفاظت از محیط زیست پایدار در ایران تاکید می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی را هم که سبب تخریب محیط زیست بشود، ممنوع کرده است. البته در این قانون اشاره شده که برای اجرای این قانون به قوانین داخلی نیاز هست که البته ما قوانین داخلی هم در این زمینه داریم.

در اصل ۵۰ قانون اساسی هیچ اشاره‌ای به این نشده که دولت جمهوری اسلامی موظف هست هر جا که سازمان‌های بین‌المللی یا در عرصه بین‌المللی قطعنامه‌ای یا کنوانسیون در زمینه محیط زیست تصویب شد، الزاماً به آن بیبوندد یا رای مثبت بدهد. بنابراین از نظر حقوقی، عدم رای مثبت جمهوری اسلامی به قطعنامه اخیر سازمان ملل تحت عنوان حق برخورداری محیط زیست سالم، مغایر با اصل ۵۰ قانون اساسی نیست.

مسئله اصلی در این رابطه، توجیهی است که وزارت خارجه ایران در مورد رای ممتنع به قطعنامه حق برخورداری از محیط زیست سالم دارد، که این توجیه، توجیهی قابل قبول و قابل پذیرش نیست. ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه ایران گفته است، دلیل رای ممتنع

بی‌اعتمادی جهانی به حکومت ایران حتی در مسئله محیط زیست



مدیریت پسماندها و جلوگیری از آلودگی محیط زیستی تاکید دارد، که در هر دو زمینه ما به اندازه کافی قانون مصوب شده داریم و تمام موضوعات را تحت پوشش داده است.

اما مشکلات اصلی که قوانین ایران، به ویژه در زمینه قوانین محیط‌زیستی دارند، این هست که در وهله اول، این قوانین قدیمی هستند و رویکردهایی که در این قوانین وجود دارد، با توجه به اینکه زمان تصویب نهایی آنها مربوط به سال‌های خیلی دور یعنی حدود سی سال پیش است و اصلاحاتی که بر روی آنها انجام شده، کافی نیست، نه تنها کارایی قابل ملاحظه‌ای ندارند، بلکه کارایی خودشان را به کلی از دست داده‌اند. مثلا در قوانین مربوط به شکار و صید، مجازات‌هایی که تعیین شده، مربوط به سال‌ها پیش است و در حال حاضر این مجازات‌های نقدی بسیار ناچیز است و اساسا نه می‌تواند جنبه تنبیهی داشته باشد و نه بازدارندگی و هیچ نقشی را به عنوان ضمانت اجرایی یک قانون ایفا نمی‌کند.

اگرچه قانون هوای پاک، یکی از قوانینی است که می‌توان گفت قانون به روزی است و برای اجرا هم ابلاغ شده، این قانون هم در عمل اجرا نشده و مسئولان سازمان حفاظت از محیط‌زیست هم بارها اعلام کرده‌اند که این قانون به صورت کامل قابل اجرا نیست و تنها حدود ۳۰ درصد آن اجرایی شده و ۷۰ درصد آن غیرقابل اجرا است. در همین رابطه آقای کلانتری، رئیس پیشین سازمان محیط‌زیست ایران گفته بود که قانون هوای پاک، قانونی است که به درد کشوری جهانی سوم همچون ایران نمی‌خورد و قابل اجرا نیست، او گفته بود که اگر این قانون به صوت کامل اجرا بشود، ۷۰ درصد اقتصاد کشور تعطیل خواهد شد.

بنابراین اگر رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان سازمانی که ناظر بر اجرای قانون هوای پاک است، چنین رویکردی را نسبت به این قانون دارد و معتقد است که قانون هوای پاک قابلیت اجرایی ندارد، بنابراین مشخص است که عملکرد نهادهای نظارتی و نهادهای مسئول محیط‌زیستی چگونه خواهد بود.

اخیرا برخی از استان‌ها و مناطق مختلف ایران دچار سیل شده‌اند و این بدیده خسارات‌های جانی و مالی هم به دنبال داشته، چه سازمان یا نهادی مسئول جبران خسارت به آسیب‌دیدگان است و بنابه اصل ۵۰ قانون اساسی که می‌گوید، در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. اگر این سیل‌های اخیر به دلیل عدم یا نقض قوانین زیست‌محیطی باشد، آیا آسیب‌دیدگان می‌توانند از دولت

یا نهادهای نقض‌کننده قوانین محیط‌زیستی شکایت کنند؟ براساس قانون، البنیه‌علی‌المدعی، یعنی اثبات اینکه سیل‌های اخیر به دلیل نقض قوانین زیست‌محیطی بوده، به عهده افرادی است که می‌خواهند شکایت بکنند. همچنین حق دسترسی به روند قضایی و دادخواهی در مسائل زیست‌محیطی، یک حق بسیار مهم است که به عنوان یکی از موارد حق بر محیط‌زیست در اسناد و تعهدات بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. به عنوان مثال در اعلامیه استکهلم به عنوان اولین سند بین‌المللی محیط‌زیستی، خیلی صریح به دسترسی همه شهروندان، به روند قضایی جهت دادخواهی در مسائل زیست‌محیطی اشاره می‌کند.

ما در عمل هم البته شاهد اجرایی شدن این حق در برخی از کشورهای اروپایی بوده‌ایم، به عنوان مثال در تیرماه سال ۱۳۹۸، دو شهروند فرانسوی، از دولت متبوعشان شکایت کردند، به این دلیل که به علت آلودگی هوا و عدم رعایت قانون و کوتاهی دولت در زمینه جلوگیری از عوامل آلودگی هوا، به بیماری تنفسی دچار شده‌اند و دادگاه نیز پس از بررسی پرونده به نفع آن دو شهروند رای صادر کرد و دولت فرانسه را مقصر و مجبور به جبران خسارات به آنها کرد.

در ایران هم، ما چنین پرونده‌هایی در رابطه با محیط‌زیست و بهداشت عمومی داشته‌ایم، مثلا در بحث مربوط به پیمان‌های آلودگی بر روی امواج ماهواره‌ای ارسال می‌شد، وکلای دادگستری از جمله آقای خرمشاهی، شکایت و پیگیری کردند که کار حتی به دادرسی هم رسید و جلسات تحقیق هم برگزار شد، اما متأسفانه چون در ایران دستگاه قضایی مستقل نداریم و قوه قضاییه و قوه مجریه در حمل از هم جدا نیستند و در یک نظام حاکمیتی قرار دارند، نتیجه‌ای اعلام نشد و کار به دادگاه و صدور حکم نرسید.

در جایی که قوه مجریه مرتکب خلاف بشود و قانون را نقض بکند کمتر ما می‌توانیم شاهد استقلال قوه مجریه باشیم و این البته با سیستم حاکمیتی ایران، جای تعجب نیست و قوه قضائیه نمی‌آید در برابر دولت به عنوان نظام حاکم قرار بگیرد، اما قانونا اگر جایی یک مقام دولتی یا حکومتی، قوانینی را که موظف به اجرای آن است، نقض کند و آن را رعایت نکند و این عدم رعایت یا نقض قانون موجب خسارات به فرد یا افرادی گردد، براساس قانون آن مقام حکومتی یا دولتی، مسئول است و هم مجازات خواهد شد و هم مسئول جبران خسارات به فرد یا افراد آسیب‌دیده خواهد بود.

بنابه قانون، حق شکایت و پیگیری برای شهروندان همیشه وجود دارد و می‌توانند از آن بهره‌مند بشوند، اما با توجه به شرایط فعلی، چنان به نظر می‌رسد که پیگیری رویدادهای اینچنینی کار ساده‌ای نخواهد بود. نمونه روشن و واضح در این رابطه، شکایت چند نفر از وکلا و فعالان مدنی بود در حوزه بهداشت عمومی در رابطه با مسئله کرونا که دستگاه‌های امنیتی حتی به آنها اجازه ثبت شکایت را هم



ندادند.

رویکرد جهانی، اساسا بر موضوع رایزنی و گفت‌وگوهای دیپلماتیک و صلح‌آمیز است، یعنی ضمانت اجرایی به آن معنی که در موضوعات حقوق بشری همچون جنایت علیه بشریت یا جرایم جنگی وجود دارد، در موضوعات زیست‌محیطی موضوعیت ندارد و عرف بین‌المللی بر این بوده که کشورها بر اساس مذاکره و پیگیری‌های دیپلماتیک، بتوانند مشکلات را بین خود حل و فصل کنند.

نکته دوم اینکه اگر کشوری شکایتی را علیه کشوری دیگر بر سر مسئله محیط‌زیست، در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح کنند و آن دو کشور اگر بین دو کشور معاهده‌ای از قبل منعقد شده باشد، دیوان به آن معاهده استناد خواهد کرد. مثلا در دعوی میان اروگوئه و آرژانتین در دیوان بین‌المللی دادگستری بر سر رودخانه‌ای میان دو کشور، استناد دیوان بین‌المللی دادگستری بر این بود که متن معاهده‌ای که میان آرژانتین و اروگوئه از لحاظ محتوایی نقض نشده و تخلفی از این منظر صورت نگرفته است.

در رابطه با اصل سوال باید بگویم، اگرچه معاهده‌ای میان ایران و ترکیه در این زمینه وجود ندارد که ایران بتواند اثبات کند که اقدامات ترکیه برخلاف آن معاهده بوده، اما از نظر حقوقی و بر اساس قوانین عرف حقوق بین‌الملل عمومی، این امکان وجود دارد که جمهوری اسلامی بتواند در مجامع بین‌المللی، مثلا دیوان بین‌المللی دادگستری، در این زمینه اقدام بکند و از ترکیه شکایت کند.

برخی‌ها معتقدند که علت اصلی ریزگردها و برخی تغییرات آب‌وهوایی در ایران، سد سازی‌های ترکیه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات است، اگر چنین چیزی صحت داشته باشد. جمهوری اسلامی چه اقدامات قانونی در مجامع بین‌المللی می‌تواند علیه ترکیه انجام بدهد؟

در این باره ابتدا باید به چند مسئله اشاره بشود، یکی اینکه بر اساس کنوانسیون حق استفاده غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی که در سال ۱۹۹۷ سازمان ملل، کشورهای بالا دست رودهای بین‌المللی، حق احداث و اجرای پروژه‌های زیربنایی آبی را در بالا دست رودخانه به نحوی که سبب مشکلات جدی و پایدار، مثل خشکسالی‌های گسترده در پایین دست بشود را ندارند و این اقدام تخلف است.

در این رابطه البته باید بگویم که، عموما اثبات اینکه مثلا احداث یک سد باعث مشکلات پایدار، یعنی خشکسالی پایدار در پایین دست یک رودخانه بین‌المللی شده، یک بحث علمی و اثبات آن هم ادله علمی نیاز دارد و اثبات آن کار آسانی نیست، اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری در این موارد صلاحیت ورود دارد و تا کنون نیز کشورهای مختلفی، اختلافات خود را در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح و مورد رسیدگی هم قرار گرفته است.

یک نکته بسیار مهم در این رابطه این است که، در بحث‌های محیط‌زیستی، بنابه کنوانسیون‌ها و معاهدات مختلفی که وجود دارد،

محیط زیست و حفاظت از آن هرگز از

اولویت‌های اجرایی حکومت ایران نبوده

زمره اسفندیاری

آیا جمهوری اسلامی ایران اصل حفاظت از محیط زیست را به عنوان یکی از اصول مهم حقوق بشری رعایت می‌کند؟ (در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.)

متن بالا اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. اصلی که متضمن یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بشری در دنیا است و جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست با استناد به این اصل از اقدامات خود دفاع می‌نماید.

اما در ورای این کلمات شاهد عملکرد و سیاستی بسیار متفاوت هستیم. عملکردی که به موازات سایر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در یک تضاد همگانی با جامعه‌ی بین‌الملل و حتی منافع ملت ایران قرار دارد. آن هم در شرایطی که امروزه محیط زیست به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان و پایه‌های حقوق بشری در دنیا شناخته می‌شود.

پس از صدور اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بسیاری از چالش‌های حیاتی انسان از جمله محیط زیست با رویکردی متفاوت و به شکلی جدی‌تر مورد توجه قرار گرفت. به طوری طی یک توافق جمعی و به دنبال نسل سوم حقوق بشر، حق بر محیط زیست به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان حقوق بشری شناخته گردید.

اما بسیاری از کشورهای دنیا از جمله جمهوری اسلامی ایران تمایل خود را برای پذیرش و پیوستن به چنین توافق‌نامه‌هایی هرگز اعلام نکردند و یا با رأی ممتنع مخالفت خود را با آن ابراز نمودند و کنار کشیدند.

در حقیقت پیوستن دولت‌ها به هریک از توافقات بین‌المللی به این معناست که محدودیت‌های جدیدتری پیش روی دولت مذکور قرار می‌گیرد و چنین امری مستلزم مدیریتی کارآمد و سیاست‌گذاری‌های متناسب با آن امر است.

نظام جمهوری اسلامی ایران طی حکومت ۴۴ ساله‌ی خود ثابت کرد که محیط زیست و حفاظت از آن هرگز جزو اولویت‌های اجرایی نبوده و توجهی به آن ندارد.

کافی است نیم‌نگاهی به وضعیت منابع طبیعی ایران و نحوه‌ی

حفاظت از محیط زیست در سال‌های اخیر داشته باشیم.

دریاچه‌ی ارومیه‌ای که خشک شد، زاینده رودی که دیگر جاری نیست، رودها و تالاب‌های خشکیده، هوای آلوده، روند گسترش خشک‌سالی به خصوص در مناطق گرم و خشک ایران، انواع آلودگی‌های زیست محیطی، از بین رفتن مراتع و جنگل‌ها، برداشت بی‌رویه‌ی آب از سفره‌های آب زیرزمینی، حفر چاه‌های غیرمجاز، سدسازی‌های غیراصولی، ساخت و سازهای بدون مجوز قانونی، شکارهای غیرقانونی و صدها مورد مشابه دیگر همه و همه حاکی از آن است که در آینده‌ای نه چندان دور شاهد یک فاجعه‌ی زیست محیطی تمام عیار در اقلیم ایران خواهیم بود. سرزمینی که غنی‌ترین منابع طبیعی دنیا را در دل خود جا داده، با سوءمدیریت و بی‌تدبیری مدیرانی نالایق و بی‌خرد امروز بحرانی‌ترین روزهای خود را سپری می‌کند.

از نظر حقوقی هرگونه اقدامی که منجر به آلودگی، از بین رفتن و یا آسیب به مظاهر محیط زیست گردد به عنوان جرایم علیه محیط زیست شناخته می‌شود و قابل برخورد قانونی می‌باشد. قانون شکار مصوب سال ۱۳۳۵، قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و قانون بهسازی و حفاظت از محیط زیست مصوب سال ۱۳۵۳ مهم‌ترین قوانینی هستند که در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست و برخورد با جرائم آن در ایران به چشم می‌خورند. نکته‌ی قابل توجهی که در این میان وجود دارد تاریخ تصویب این قوانین هستند که همگی به زمان حکومت پهلوی باز می‌گردد. یعنی پس از انقلاب سال ۵۷ تاکنون شاهد تصویب هیچ‌گونه قانون جدیدی در این زمینه نبوده‌ایم. همین امر کافی است تا رویکرد و نگرش جمهوری اسلامی را نسبت به مسائل محیط زیستی به خوبی آشکار گردد.

حق حیات بشری و سلامتی انسان در گرو حفاظت از محیط زیست است. محیطی که بر تمامی جنبه‌های زندگی بشر تأثیرگذار است و یکی از مهم‌ترین وظایف هر دولتی توجه به این امر مهم است. در یک نگاه کلی حقوق بشر در بردارنده‌ی تمامی ابعاد و لایه‌های مرتبط با کیفیت زندگی بشری است و هرآنچه نیاز طبیعی و ضروری انسان تلقی گردد همچون حفظ محیط زیست به عنوان حق مسلم او شناخته خواهد شد.

امروزه بسیاری از کشورهای پیشرفته و صنعتی دنیا بودجه‌ی قابل توجهی را برای مدیریت این امر در نظر گرفته‌اند و با پیوستن به توافق‌نامه‌های بین‌المللی که در این زمینه به تصویب می‌رسد تمام

قد از حقوق شهروندان کشور خود در این زمینه دفاع می‌کنند. چرا که هوای پاک، آب آشامیدنی سالم، دسترسی عادلانه به محیط زیست و منابع طبیعی و ایجاد یک محیط آرام و طبیعی حق طبیعی هر شهروندیست. علاوه بر این حفظ محیط زیست یک وظیفه‌ی جمعی و همگانی به شمار می‌رود. چرا که امانتی است در دستان ما برای نسل‌های آینده.

پس از وقوع انقلاب ۵۷ تحولات سیاسی و اجتماعی بسیار مهمی در ایران رخ داد. مسائل مختلفی بر حسب سلايق شخصی حکمرانان و مصالح و منافع نظام در دستور کار دولت قرار گرفت و برای آن بودجه‌بندی شد. به همین دلیل هم در کارنامه‌ی جمهوری اسلامی تا به امروز شاهد هیچگونه حرکت مؤثر و کارآمدی در باب حفاظت از محیط زیست نبوده‌ایم. ما در ظاهر شاهد سهل‌انگاری و بی‌توجهی حکومت هستیم که به تعبیر بسیاری از افراد ناشی از کمبود بودجه و بی‌توجهی می‌باشد. اما در ورای این غفلت اهداف بسیار مهمی وجود دارد. اهدافی که با حفظ منافع نظام همسو و هم راستا است.

جمهوری اسلامی در قبال بسیاری از وظایف ملی خود همچون حفظ و مرمت آثار تاریخی و یا حفاظت از محیط زیست هرگز عملکردی قابل قبول از خود ارائه نداده است. دلیل چنین امری هم به نوع سیاست‌های نظام باز می‌گردد. در یک نظام دینی که بی‌کفایتی مدیران آن سال‌ها است ثابت شده ارزش‌ها و اولویت‌ها به شکل دیگری تبیین و طبقه‌بندی می‌شوند. چراکه ارائه‌ی خدمت به ملت در گرو مدیریت صحیح و شایسته و توجه به منافع عمومی جامعه است و این یعنی حضور مدیرانی شایسته و خردمند در کنار توجه و احترام به حقوق ملت.

در کشوری که تمامی منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی کشور به حکم و اختیار دولت اداره می‌شوند و با توجه به سیاست‌های موجود، طبیعی است که حفاظت از محیط زیست در راستای حفظ حقوق بشر نخواهد بود و صرفاً هدفی است برای دستیابی و تسلط مطلق حکومت بر آن. به این امر صراحتاً در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است.

اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند: اموال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بی‌شبه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالك و اموال عمومی که از غاصبین

مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عام نسبت به آنها عمل نماید. تفضیل و تربیت استفاده از هریک را قانون معین می‌کند.

با وجود چنین قوانین به خوبی می‌توان دریافت که عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی با اهداف حقوق بشری همسو و هم‌راستا نیست و منافع جمعی ملت در آن لحاظ نمی‌گردد.

کافی است جریان تالاب میانکاله را مرور کنیم تا به شکلی بهتر نگرش جمهوری اسلامی در مقابل لزوم حفاظت از محیط زیست برای ما روشن گردد.

سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی یک کشور سطح توقعات ملت آن کشور را به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد. به طوری که در مقابل ناکارآمدن بودن مدیران و اقدامات غلط آنها شاهد وقوع اعتراضات مدنی خواهیم بود. جمهوری اسلامی چنین امری را به خوبی دریافته که حفاظت از محیط زیست و اقداماتی از این قبیل با سیاست‌های آن به شدت در تضاد خواهد بود. زیرا ارائه‌ی مدیریت حرفه‌ای در این امر مستلزم توجه به سایر بخش‌ها، معرفی مدیرانی شایسته و متخصص و همچنین در نظر گرفتن بودجه‌ی کافی می‌باشد. اگر جمهوری اسلامی ایران اصل حفاظت از محیط زیست را به عنوان یکی از اصول اصلی و مهم حقوق بشر به حساب بیاورد و به آن توجه داشته باشد موظف به رعایت تمامی اصول حقوق بشری خواهد بود.

از طرفی پیوستن به توافق‌های بین‌المللی در حوزه‌ی محیط زیست به منزله‌ی پذیرفتن یکی از مهم‌ترین ارکان حقوق بشر به شمار می‌رود. چگونه از دولتی که بزرگترین ناقض حقوق بشر در دنیا شناخته می‌شود و شاهد نقض تمام عیار حقوق بشر در تمامی ابعادش توسط آن هستیم می‌توان انتظار داشت که به چنین مسأله‌ای پاسخ مثبت داده و به آن پیوندد؟ مسلم است که پذیرش یکی از ارکان حقوق بشر مستلزم پذیرش اصل حقوق بشر و سایر ارکان آن خواهد بود. به همین دلیل دولت جمهوری اسلامی ایران هیچ رغبتی برای پیوستن به چنین توافق‌نامه‌هایی نداشته و نخواهد داشت، زیرا نه در سیاست‌های حکومتی آن جایی برای پذیرش چنین امری وجود دارد و نه مدیران لایقی وجود دارد که با تکیه بر آنها بتواند چنین اهدافی را پیش ببرد.

برای مثال می‌توان به توافقنامه‌ی پاریس که در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵



به تصویب رسید اشاره نمود. هدف نهایی و بلندمدت این توافقنامه افزایش دمای کره‌ی زمین به میزان ۱/۵ درجه‌ی سانتی‌گراد تا پایان قرن میلادی می‌باشد. ایران از جمله کشورهایی بود که به این

توافقنامه‌ی بین‌المللی پیوست و این امر در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. اما این مصوبه برای اجرایی شدن و نهایی شدن به تأیید شورای نگهبان نیاز داشت، اما شورای نگهبان با ایراداتی که بر آن وارد کرد عملاً اجرای آن را توسط ایران غیرممکن ساخت. شورای نگهبان معتقد بود عمل به تعهدات چنین توافق‌نامه‌ای نیاز به شفافیت‌سازی پاره‌ای امور دارد. اموری که ممکن است اطلاعات امنیتی ایران را در سطح دنیا افشا کرده و این برخلاف مصالح نظام به شمار می‌رود. توجه داشته باشید که مصالح نظام در اولویت امر است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران معتقد بود عمل به توافق‌نامه‌ی پاریس با تحقق اقتصاد مقاومتی در تضادی آشکار است و محدودیت‌های زیادی را در مسیر پیشرفت کشور به وجود می‌آورد. پذیرش توافقنامه پاریس محدودیت‌های متعددی را برای بهره‌برداری از منابع نفت و گاز کشور ایجاد می‌کند. خروج از توافق‌نامه برای ایران هزینه‌های بسیار زیادی در بر خواهد داشت و در یک کلام منافع و مصالح نظام در تضادی آشکار با چنین امری قرار گرفت و

مانع از اجرای آن گردید. این در حالی است که بسیاری از کشورهای دنیا به این توافق‌نامه‌ی بین‌المللی پیوسته‌اند. البته یک نکته‌ی بسیار مهم دیگر هم در این زمینه وجود دارد که نباید از یاد برد، با نگاهی به کشورهای عضو و مجری چنین توافق‌نامه‌هایی، عمدتاً کشورهای صنعتی و پیشرفته‌ی دنیا به چشم می‌خورند. کشورهایی که جمهوری اسلامی سال‌هاست تعاملات خود را با آنها قطع کرده و در موضع مخالف آنها قرار گرفته است، پرواضح است پیوستن به چنین توافق‌نامه‌هایی یعنی از سرگیری مجدد تعاملات، امری که با سیاست‌های نظام در تضادی مستقیم است و موضع‌گیری آنها را زیر سؤال خواهد برد.

علاوه بر این هیچ سازمان و نهاد مستقلی در جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد که بتواند با پیوستن به چنین توافق‌نامه‌هایی اقدامات لازم را در این زمینه پیش ببرد و از آن دفاع نماید. در شرایطی که قدرت مطلقه‌ی امور کشور در دست مقام رهبری قرار دارد و تمامی سیاست‌ها و چشم‌اندازهای نظام بر اساس تفکرات و نظریات او شکل می‌گیرد هرگز نمی‌توان شاهد اقداماتی اثر بخش و امیدوار کننده در حوزه‌ی محیط زیست و سایر حوزه‌های حقوق بشری بود.

ایران در معرض از دست دادن تنوع زیستی و فروپاشی اکوسیستم



حمایت کیفی از محیط زیست و حمایت قضایی و حقوقی از این حوزه دغدغه‌برانگیز، در قالب صدور آرا و شناسایی عرف‌های بین‌المللی، در عرصه بین‌الملل آغاز راه و تبیین‌کننده اهمیت آن در روابط بین‌کشورها و صلح و امنیت بین‌المللی و به طریق اولی حقوق بشر است. از دیگر فراز همه شواهد، نشانگر آن هستند که خاورمیانه مستعد آن است که به دلایل سیاسی، امنیتی، اجتماعی مداخلات فرامنطقه‌ای و تغییر اقلیم و بحران‌های محیط‌زیست، با چندین دهه بی‌ثباتی سیاسی دست‌به‌گریبان باشد. ذخایر آبی در چنین بستری که بحران‌های انباشته شده بر یکدیگر، مجموعه‌ای از «دولت‌های بی‌سرزمین» و «سرزمین‌های بی‌دولت» خلق می‌کنند، یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت راهبردی هستند. در قبال چنین چشم‌اندازی، منابع آبی به‌عنوان سرمایه‌ای در «بازی قدرت و امنیت» محسوب و به ابزارهای کارآمد تأمین امنیت و صیانت از منافع دولت‌ها بدل شده‌اند.

بدین اعتبار، در قوانین اساسی و در سپهر کشورهای دموکراتیک امنیت و سلامت زیست محیطی جامعه و امر سیاسی مقید می‌شود به امر حقوقی. اما در ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی (اصل‌های ۴۵ و ۵۰)، امر حقوقی حقوق بشر در وجه عام و حقوق شهروندان در وجه خاص، مقید می‌شود به امر امنیت و سیاست، یعنی دستگاه‌های امنیتی و سیاسی فراحقوقی و فراقشوری‌اند. از دیگر فراز سازمان‌ها، نهادهای دولتی و دستگاه‌های سیاسی، امنیتی جمهوری اسلامی اساساً کارکرد حقوقی ندارند و مقید به امر حقوقی نیستند که بتوان دولت-کشور و حقوق بشر و شهروند را تعریف نمود. زیرا در حقوق بین‌الملل و نظام‌های حقوقی کشورها «شهروند محور» هستند. حال آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی «امت محور» است.

بنابراین، مساله «امت» از منظر قانون اساسی نظام فقهاتی حوزه کشوری محسوب می‌شوند. در حقیقت فهم مسائل زیست محیطی همچون بحران آب و دیگر بلایای طبیعی از جمله سیلی که در چند روز گذشته برخی از مناطق ایران و به ویژه امامزاده داوود در تهران را که موجب خسارات انسانی و مادی شده در راس نظام اسلامی نیست. رهبر جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر نه تنها با سیاست‌ها و پیشنهادات دولت مبنی بر سازگاری با حفاظت از محیط زیست، بحران آب، آلودگی هوا، گسترش ریزگردها و تغییر الگوی کشت در کشاورزی و... همراهی نکرده بل، دولت را از هرگونه تخطی از سیاست خودکفایی ملی بازداشته است. حتا به قیمت بالا گرفتن تنش‌های آبی و نابودی محیط زیست و باقی ماندن زمینی سوخته برای

نسل‌های کنونی و آینده، حاضر به انجام هیچ اقدامی مؤثر در رفع بحران‌های موجود در کشور نیست.

این‌ها بخش‌هایی از سخنان نیره انصاری حقوق‌دان و فعال حقوق بشر است در مصاحبه با مجله حقوق ما در مورد اصل پنجاه قانون اساسی و بحث‌های حقوقی در مورد بارش‌ها و سیلاب‌های اخیر که منجر به خسارات جانی و مالی در برخی از نقاط ایران شد. مشروح این مصاحبه در زیر آمده است.

اخیراً سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای، حق برخورداری از محیط‌زیست سالم را به عنوان بخشی از حقوق بشر به رسمیت شناخت، جمهوری اسلامی یکی از کشورهایی بود که به این قطعنامه رای مثبت نداد، آیا این اقدام دولت ایران مغایر با اصل ۵۰ قانون اساسی ایران نیست؟

پس از پیمان بریان کلوگ (۱۹۲۸، پیمان پاریس) و منشور ملل متحد مبنی بر عدم توسل به زور، حقوق بین‌الملل و اسنادی چون کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۷، توسعه پایدار، اعلامیه ریو ۱۹۹۲، اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم (ضرورت حفاظت از محیط‌زیست که از اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد)، جایگزینی شایسته، همچون راه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی را مورد توجه و تمرکز قرار دادند.

در حقیقت این امر نشان از اهمیت روش‌های قضایی و حل و فصل اختلافات بین‌المللی در حوزه محیط زیست جهانی دارد که نقش آنها در جلوگیری از توسط به زور و تأمین صلح و امنیت جهانی و کمک به حقوق محیط‌زیست بین‌المللی در قالب شناسایی اصول زیست محیطی بسیار ارزشمند و مورد تأیید قلمداد می‌شوند. گرچه، این اختلافات که بطور ویژه به محیط زیست بین‌المللی بستگی دارند، ممکن است حتا میان دو متحد استراتژیک و منطقه‌ای مانند ایالات متحد آمریکا و کانادا [در قضیه تریل اسملترا] روی دهد.

بنابراین رجوع کشورها برای یافتن راه‌حل‌های غیرسیاسی مسالمت‌آمیز در زمان وقوع اختلاف، اصول مهمی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پدیدار و اعلام شدند که نقشی ارزنده در جلوگیری از منازعات آتی در این حوزه خواهد داشت. آرای زیست محیطی در روابط کشورها مشخصاً نقشی چندسویه داشته و خواهد داشت. زیرا، نخست؛ موجب جلوگیری از حوادث دردآور بین‌المللی شده، دوم؛ بر روابط کشورها نظم و قانونمندی می‌بخشد، سوم؛ نقشی توسعه‌ای در ترویج و شناسایی اصول راهگشا و ضروری زیست محیطی به تناسب

موضوع در عرصه بین‌المللی خواهد داشت. در این بین «دیوان کیفری بین‌المللی» جایگاه برجسته‌ای در صحنه بین‌المللی دارد. این دیوان به رغم انتقادات وارده به آن و نسبی بودن آراء، این وظیفه را بر عهده دارد و با توجه به اهمیت مسائل محیط‌زیست بین‌المللی به ویژه در حوزه آلودگی فرامرزی منجر به شکل‌گیری عرف‌های مهمی در اسناد و آرای بین‌المللی [اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین، اصل پیشگیری] گشته است.

در همین زمینه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد 29,7,2022/7,5,1401 با ۱۶۱ رای مثبت در برابر ۸ رای ممتنع به تصویب رسید. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل این گام را یک «نقطه عطف» خواند. گوترش گفت: «قطعنامه به کاهش بی‌عدالتی‌های زیست‌محیطی، بستن شکاف‌های حفاظتی و توانمندسازی مردم، خصوصا کسانی چون کنشگران، زنان، جوانان، کودکان و افراد بومی که در موقعیت‌های آسیب‌پذیر قرار دارند، کمک شایانی می‌کند.» او تصویب قطعنامه را نشانه آمادگی جامعه بین‌المللی برای مواجهه مشترک با بحران سه‌گانه تغییرات اقلیمی، آلودگی و از دست رفتن تنوع زیستی دانست. میشل باشله، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در واکنش به مصوبه گفت: «تنها تایید حق داشتن محیط زیست سالم کافی نیست، بلکه الزام‌ها وقتی به بار می‌نشیند که کشورها به تعهدات بین‌المللی خود و افزایش تلاش در این راستا عمل کنند.»

به نظر و تاکید باشله، این تصمیم نشان می‌دهد که وجوه مختلف حقوق بشر با سلامت محیط زیست مرتبط است: «هر کس حق دارد بدون مسموم کردن بدن خود، نفس بکشد، بخورد، بنوشد و بدون ترس از خطرات فروپاشی اکوسیستم و فجایع آب و هوایی زندگی کند.» وی افزوده که اکنون زمان پاسخگویی دولت‌ها و شرکت‌ها در قبال آسیب‌های زیست‌محیطی و حمایت از حقوق کسانی است که بیش از همه از تخریب طبیعت و محیط زندگی متضرر شده‌اند.

حال آنکه سخنگوی وزارت امور خارجه اسلامی در ایران در واکنش به صدور این قطعنامه تاکید کرد: «از نگاه کشورهای غربی هدف این قطعنامه رسیدگی به سه موضوع مهم «تغییر اقلیم، تخریب تنوع زیستی و آلودگی» است و این در حالیست که از سوی دیگر، تعداد قابل توجهی از کشورها اعتقاد دارند رسیدگی تخصصی به مسائل زیست‌محیطی می‌بایست در مجامع بین‌المللی مربوط به محیط زیست پیگیری شود، اما هدف بانیان غربی از طرح این قطعنامه تخصصی مهم در «شورای حقوق بشر» که به طور عمده یک نهاد



قرار دارد و برای نسل‌های کنونی و آینده خود عرصه‌ای برجای نگذاشته است. براین اساس رأی ممتنع نظام به قطعنامه سازمان محیط‌زیست، اقدامی عجیب و غیرقابل پیش‌بینی نبود.

در ایران چه قوانین یا آئین‌نامه‌هایی، در رابطه با مسئله محیط‌زیست وجود دارد و در کل مسئله محیط‌زیستی در قوانین ایران تا چه اندازه‌ای حائز اهمیت است؟

پس از برپایی نخستین کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم ۱۹۷۲، که به کنفرانس محیط‌زیست انسانی خوانده و تاکید شد که محیط زیست انسانی یک مسئله اساسی است که بر رفاه مردم و توسعه اقتصادی کل جهان، خواسته فوری مردم کل جهان و وظیفه همه دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. در ایران قانون‌گذار از سال ۱۲۸۵ به موضوع حیاتی آب و محافظت از محیط زیست پی‌برده و در جهت استفاده بهینه از منابع آبی کشور و مبارزه با بحران آب و دیگر موارد

در چندین مرحله اقدام به قانون‌گذاری کرده است. با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در ۲۱ ماده و آئین‌نامه‌های اجرایی آن، سازمان حفاظت محیط زیست در ایران از اختیارات قانونی برخوردار شد. فعالیت این سازمان در عرصه بین‌المللی با الحاق ایران به کنوانسیون تجارت بین‌المللی در تیرماه ۱۳۵۵ توسط مجلس شورای ملی مصوب و ایران و دیگر اعضای کنوانسیون نسبت به مندرجات کنوانسیون مورد نظر متعهد شدند. در حقیقت توجه به محیط طبیعی کشور با ایجاد ساختاری مستقل در سال ۵۵ در تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست با عنوان معاون امور محیط طبیعی ادامه یافت.

نخستین قوانین و مقررات مرتبط با این حوزه را مواد مربوط به صید و شکار در قانون مدنی، یعنی مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ است؛ قانون شکار (مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴) و قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶) صرفا درباره محیط زیست طبیعی بوده است؛ اما نخستین قانون

همکاری در کنوانسیون‌های جهانی در خصوص محیط زیست و عدم داشتن و اجرای برنامه برای کنترل ریزگردها، عدم پیگیری قانونی و تعقیب قضایی جرائم محیط زیستی و... موجب صدمه جدی به محیط زیست ایران وارد گردیده که منتج به تنزل ۵۷ رتبه شاخص بین‌المللی محیط‌زیست در دوره‌های دولت نهم و دهم گردید. افزون بر این، تصویب قوانین و مقررات هیچگاه راهکار حل مشکل نیست، زیرا برای مقابله با تهدیدات موجود برای حفظ محیط زیست وجود قوانین و مقررات کارآمد و واجد ضمانت اجراء می‌تواند مفیدفایده و موثر واقع شود. قوانین، آئین‌نامه‌ها و مصوبات فراوانی از دوره مشروطیت تاکنون توسط مقنن مصوب شده است تا محیط زیست را از تخریب و نابودی محافظت نماید و اغلب این قوانین [کیفری] اقدام به جرم‌انگاری فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست کرده‌اند که در نتیجه مفهومی به نام جرایم زیست محیطی به وجود آمده است.

از سوی دیگر، بنابراینچه که قبلاً گفتیم، فقدان قوانین حامی محیط زیست نیز اثرات ویرانگر خود را نشان داده است. صنایع، شرکت‌ها و بنگاه‌های مافیایی رژیم ایران، هیچگونه الزامی برای کاهش انتشار آلاینده‌ها، کاهش میزان کربن، حفظ منابع طبیعی و از همه مهم‌تر تضمین توسعه پایدار ندارند و محیط زیست با آلاینده‌های واحدهای تولیدی صنعتی، در سایه‌ی امن سکوت سازمان حفاظت محیط زیست به آسودگی تخریب می‌شود. برخی قوانین موجود از جمله قانون «هوای پاک ۱۳۹۶» نیز سال‌هاست که فراموش شده و اجرا نمی‌شوند. همچنین دسترسی به سوخت مناسب و عدم استفاده از سوخت‌های فسیلی (موضوع نخستین نشست تغییرات اقلیمی در پاریس ۲۰۱۵) و کاهش آلودگی بخش‌های صنعتی و نیروگاه‌ها نیز در نظام کنونی کمترین اهمیتی ندارد. در این بین، مسئولان می‌کوشند تا با پیوند زدن مشکلات زیست‌محیطی به تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی، بحران کنونی محیط زیست را توجیه کنند و فقدان نظارت بر صنایع آلاینده و مخرب را در راستای حمایت از تولید عنوان نمایند.

اخیرا برخی از استان‌ها و مناطق مختلف ایران دچار سیل شده‌اند و این بدیده خسارات‌های جانی و مالی هم به دنبال داشته، چه سازمان یا نهادی مسئول جبران خسارت به آسیب‌دیدگان است و بنابه اصل ۵۰ قانون اساسی که می‌گوید، در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی

مراحل مختلف مدیریت بحران افزایش می‌دهد که شامل جمع‌آوری اطلاعات، برنامه‌ریزی و طراحی، سازماندهی، ایجاد ساختاری مدیریتی آموزش، تأمین منابع و امکانات، تمرین و مانور است. (ج) مقابله: انجام اقدام‌ها و ارائه خدمات اضطراری به دنبال وقوع بحران است که با هدف نجات جان و مال انسان‌ها، تأمین رفاه نسبی برای آن‌ها و جلوگیری از گسترش خسارات انجام می‌شود و مقابله شامل مواردی چون هشدار، نجات و امداد، بهداشت، درمان، تأمین امنیت ترابری، ارتباطات، فوریت‌های پزشکی، مهار آتش، کنترل مواد خطرناک، سوخت‌رسانی، برقراری شریان‌های حیاتی و سایر خدمات اضطراری است.

(د) بازسازی و بازتوانی: بازسازی شامل کلیه اقدام‌های لازم و ضروری پس از وقوع بحران است که برای بازگرداندن وضعیت عادی به مناطق آسیب‌دیده با در نظر گرفتن ضوابط ایمنی و نیز مجموعه اقداماتی است به منظور بازگرداندن شرایط جسمی، روحی و روانی و اجتماعی آسیب‌دیدگان به حالت طبیعی به انجام می‌رسد. همچنین در شورای عالی مدیریت بحران کشور مقرر گردیده است و بر این اساس نیز سازمان مدیریت بحران کشور به استناد ماده (۶) آن قانون با طرح وظایف مقرر در آن تشکیل شده است. سازمان وابسته به وزارت کشور بوده و رئیس آن به پیشنهاد وزیر کشور و تأیید شورای عالی و حکم وزیر کشور منصوب می‌گردد. ماده (۷).

آنچه که در این قانون برجسته و شایان اهمیت است، همانا ماده (۱۰) است که در خصوص شرح وظایف این سازمان تصریح می‌دارد: «کلیه دستگاه‌های دولتی مربوطه و مؤسسات عمومی غیردولتی»، شهرداری‌ها، واحدهای سازمانی زیر نظر شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌ها، تشکل‌ها و بنگاه‌های فعال در بخش‌های خصوصی و تعاونی در مراحل مدیریت بحران، موظفند در چارچوب وظایف و ضوابط محوله عمل نموده، گزارش عملکرد خود را از طریق مراجع دولتی مربوطه به سازمان ارائه دهند. وظایف قانونی مقرر و ترتیب اجرایی آن در قانون مورد نظر و آئین‌نامه اجرایی آن پیش‌بینی گردیده است.

در این میان، شهرداری تهران بر اساس بند (۱) مصوبه «طرح جامع مدیریت بحران در شهر تهران» ملزم به تشکیل ستاد مدیریت در این شهر با هدف هماهنگی امورمربوطه به مراحل مدیریت بحران (پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی) گردید و تمامی دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های مستقر در شهر تهران نیز موظف‌اند و شهردار تهران نیز که برابر مصوبه کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی

تلقی می‌گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. اگر این سیل‌های اخیر به دلیل عدم یا نقض قوانین زیست‌محیطی باشد، آیا آسیب‌دیدگان می‌توانند از دولت یا نهادهای نقض‌کننده قوانین محیط‌زیستی شکایت کنند؟ مشکلات موجود در امر حفاظت محیط زیست تنها عدم اجرای قوانین موجود و اصل‌های ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی نظام فقهاتی نیست، زیرا درسال ۱۳۸۵ سازمان مدیریت جامع بحران برای اقدام‌های اضطراری در مقابل حوادث، رویدادها و بلایای طبیعی و... تشکیل شد.

مدیریت بحران، به موجب بند (الف) ماده (۱) فصل نخست قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور، مصوب (۲۱،۲،۱۳۸۵) مجلس شورای اسلامی، شرایطی است که در اثر حوادث، رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی، به جز موارد موضوعه در حوزه‌های امنیتی و اجتماعی که به صورت ناگهانی یا غیرقابل کنترل به وجود می‌آید، و موجب ایجاد مشقت و سختی به یک مجموعه یا جامعه انسانی می‌گردد و بر طرف کردن آن نیاز به اقدام‌ها اضطراری، فوری و فوق‌العاده دارد.

به استناد بند (۲) همان ماده، مدیریت جامع بحران، فرآیند برنامه‌ریزی، عملکرد و اقدام‌های اجرایی است که توسط دستگاه‌های دولتی، غیردولتی و عمومی، پیرامون شناخت و کاهش سطح مخاطرات یعنی مدیریت خطرپذیری، و مدیریت عملیات مقابله و بازسازی و بازتوانی منطقه آسیب‌دیده یعنی مدیریت بحران، صورت می‌پذیرد.

در این فرایند با مشاهده پیش‌نشانگرها و تجزیه و تحلیل آن‌ها و منابع اطلاعاتی در دسترس، تلاش می‌شود به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ با استفاده از ابزارهای موجود از بحران‌ها پیشگیری، یا در صورت بروز آن‌ها با آمادگی لازم در راستای کاهش خسارت جانی و مالی به مقابله سریع پرداخته تا شرایط به وضعیت عادی بازگردد.

فراتر از این برابر ماده (۲) آن قانون، مدیریت بحران؛ شامل چهار مرحله است که عبارتند از:

(الف) پیشگیری: مجموعه اقداماتی که با هدف جلوگیری از وقوع حوادث و یا کاهش آثار زیانبار آن، سطح خطرپذیری جامعه را ارزیابی نموده و با مطالعات و اقدام‌های لازم سطح آن را تا حد قابل قبول کاهش می‌دهد.

(ب) آمادگی: مجموعه اقداماتی که توانایی جامعه را در انجام

و دیگر حوادث از سوی وزیر کشور به عنوان رئیس ستاد مدیریت بحران منصوب گردیده است دارای مسئولیتی قانونی است و باید به موجب مندرجات قانونی پاسخگو باشد. در حقیقت می‌توان اذعان داشت که مشکل بحران مدیریتی در ایران موجود است.

مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری سازمانها و نهادهای ذیربط

۱- مسئولیت کیفری / جزایی: فعل و ترک فعل

صرفنظر از فعل یا ترک فعل احتمالی مرتکب به تجویز ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲) و بنابه تکالیف قانونی مقرر نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی، یکی از مبانی مسئولیت قابل احراز نسبت به آن‌ها در این حادثه از منظر بررسی دقیق و کارشناسانه، مراتب اعمال و اجرای وظایف قانونی مقرر نسبت به وزارت کشور، سازمان حفظ محیط زیست، شهرداری و مدیریت شهری تهران و سازمان‌های دولتی و غیردولتی یا ترک افعال قانونی آنها است. فعل یا ترک فعل مقرر، بنابه مورد، جرم تلقی و در قانون نیز برای آن جرم انگاری شده است.

افزون بر این، اشخاص حقوقی و حقیقی نسبت به مصدومیت و جان باختن تعدادی از افراد در حادثه سیل به استناد ماده ۵۷۶ همان قانون کتاب پنجم، فصل تعزیرات مسئولیت کیفری دارند و قابلیت طرح شکایت کیفری و دادخواست حقوقی دائر بر مطالبه و (جبران خسارات) توسط آسیب‌دیدگان را دارد.

۲- مسئولیت مدنی:

برابر ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹/۱۹۶۰، هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ورود ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

و به استناد ماده (۲) همان قانون، در موردی که عمل، وارد کننده زیان، موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان، تنها موجب یکی از خسارات یاد شده باشد، دادگاه او را ملزم به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده، محکوم خواهد کرد. ضمن آنکه مسئولیت مترتب بر وظایف مدیریتی و سازمانی اشخاص حقیقی و حقوقی مربوطه نیز در این پیوند، قابل مطالعه و بررسی است.

و اقدام قانونی همانا تسلیم دادخواست «مطالبه خسارات و ...» به

استناد ماده (۱ و ۲) قانون مسئولیت مدنی، قوانین حفاظت محیط زیست، هوای پاک، شهرداری و دیگر عموماً حقوقی و قانونی مبنی بر الزام مسئولان و نهادهای ذیربط به جبران کلیه خسارات وارده نسبت به حیات و سلامت عمومی و دارایی‌های قربانیان و مصدومان این سیل است.

در این باره احمد رحمانیان، قائم‌مقام سازمان بازرسی کل کشور نیز گفته است؛ به موجب ماده (۲) قانون هوای پاک، مصوب ۱۳۹۶، نظارت بر اجرای قانون برعهده سازمان محیط زیست است و بررسی‌ها حکایت از این دارد که، محیط‌زیست به وظایف نظارتی خود در زمینه اجرای صحیح مقررات مربوطه و بهره‌گیری از ضمانت اجراهای کیفری و اداری درباره مستنکفین عمل نکرد.

برخی‌ها معتقدند که علت اصلی ریزگردها و برخی تغییرات آب‌وهوایی در ایران، سد سازی‌های ترکیه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات است، اگر چنین چیزی صحت داشته باشد. جمهوری اسلامی چه اقدامات قانونی در مجامع بین‌المللی می‌تواند علیه ترکیه انجام بدهد؟

از دهه هشتاد میلادی یعنی از سال ۱۹۸۵ سیاست‌های دولت ترکیه در مهار سرشاخه‌های دجله و فرات، فارغ از افتخارات این کشور، اما پیامدهای منفی آن گریبان مردم خوزستان، عراق و سوریه را گرفته است. پروژه آتاتولی جنوب شرقی که به نام «گاپ» شناخته می‌شود و ساخت ۲۲ سد روی سرشاخه‌های دجله و فرات را در برمی‌گیرد، یکی از معروفترین این سدها، سد آتاتورک با حجم مخزن ۴۸ میلیارد مترمکعب است. در خصوص رود دجله، سه کشور ترکیه، سوریه و عراق حتا راجع به ماهیت بین‌المللی یا بین‌مرزی بودن رود، با یکدیگر توافق ندارند. با توجه به اینکه اساساً ایران در مذاکرات سه جانبه‌ای که بین سه کشور مورد نظر انجام یافته، حضور نداشته است. در واقع تعریف و تبیین رژیم حقوقی مناسب و تدوین توافقنامه مشخص می‌توانست در مسیر رفع اختلاف موثر گردد.

از این بیش می‌توان اقدام به احیای کمیته فنی مشترک، برای حفظ و ضمانت اجرای توافقنامه نمود. اقدامات ترکیه در بالادست دجله و فرات، منجر به افزایش پدیده ریزگرد در ایران شده و همچنین اقدامات این کشور در بالادست ارس، منجر به کاهش آورد رودخانه در سمت ایران شده است. از دیگر سو فعالان حوزه محیط زیست در ایران براین باورند که ترکیه حق‌آبه پایین‌دست را رعایت نمی‌کند و با سدسازی‌های متعدد بر دجله و فرات موجب خشکی اکوسیستم‌ها در



کشور ایران شده است.

فعالان محیط زیست ایران در نامه‌ای که به امضای بیش از یکصد هزار تن رسیده خواستار محاکمه ترکیه در دیوان بین‌المللی لاهه شده‌اند. در حقیقت فقدان یک رژیم حقوقی مناسب برای تقسیم آب فرامرزی در یک منطقه عامل اصلی بروز بحران در آن است، نبود توافقنامه‌های مشخص و به روز، موجب گشته تا هر کشوری در پی حداکثری نمودن منافع خود بدون توجه به کشورهای اطراف باشد. همچنین مهمترین اصلی که در اکثر اسناد و رویه‌های بین‌المللی منابع آبی مشترک مطرح می‌شود، رعایت حقوق و وضعیت دولت‌های پائین رود توسط دولت‌های بالای رودخانه‌های مربوطه است. این امر در اسنادی چون کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل برای منابع آبی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل مشاهده می‌شود. پس، روش ترکیه در قبال مسائل حقوق بین‌الملل مرتبط با منابع آبی، نوعی برخورد منطبق با ایده حقوق «حاکمه مطلق» است و به استناد این نظریه، «حاکمیت مطلق ارضی» هر دولتی محق است بدون هیچگونه محدودیتی از منابع منطقه خود بهره‌گیرد؛ بدون توجه به اثرات سوء آن بر دیگر همسایگان (از جمله به حیث اثرات منفی بر محیط زیست، مانند ایجاد و توسعه ریزگردها و...) از دیگر

فراز ترکیه مدعی است که اقدامات انجام یافته، موجب کاهش جریان آب این رودخانه‌ها به سوی کشورهای پایین دستی نمی‌شود... حال آنکه برپایه پیمان ۱۹۴۶ دوستی با عراق، همانند همه اسنادی که دولت‌ها به (قراردادهای تجاری و دوجانبه) ملحق می‌گردند، نوعی محدودیت بر حاکمیت ارضی دولت‌های مورد نظر وارد می‌کند و همه دولت‌ها اعم از دولت‌هایی که به این اسناد ملحق شده و یا نشده‌اند موظف‌اند مندرجات کنوانسیون را رعایت و اجرا نمایند.

معنا اینکه از رودخانه‌های فرامرزی به نحوی عادلانه و معقول بهره برداری و یقین حاصل کنند که اقداماتشان موجب ورود ضرر و خسران عمده‌ای به کشورهای دیگر نمی‌شود. در حقیقت چنین اسنادی به صورت بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی بدل شده است. از دیگر فراز اتحادیه اروپا نیز در مجامع بین‌المللی به ترکیه در خصوص چنین اقداماتی اخطار داده است اما دولت‌های سیزده‌گانه نظام اسلامی همواره سکوت کرده؛ در واقع به همان میزان دولت مردان در ایران در پایش این مساله به حیث حقوقی و دیپلماسی در ۴۳ سال گذشته در خواب و غفلت بوده‌اند، در حالی که ترکیه مشغول توسعه اراضی، ساخت سد و... بوده است.



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net